

نقدی بر کتاب واژگان

مفاهیم اساسی هر علم بواقع بمنزله
الفبای آن برای هردانشجوست. بنابراین
تا زمانیکه مفاهیمی درست ، دقیق ،
شناخته شده و مخصوصاً دارای معانی
یکسان و پذیرفته پدید نیایند جریان
اندیشه‌های علمی میسر نیست همانطور که
تکامل ، انباشتگی و ارتقاء صورت نخواهد
گرفت . از جانب دیگر ، فقدان مفاهیم
پذیرفته شده ، به ایجاد انواع بدگمانیها
و سوء تعبیرها منتهی خواهد شد. ازین
جهت این کتابرا پاسخی می‌دانیم بر
نیازهای روزافزون جامعه علمی ایران .
لیک ، درین کتاب جهاتی است که باید
بیش از همه «گامی نخست» درراه پاسخ
به نیازهای اساسی علم انسان از نظر
مفاهیم تلقی شود ، زیرا دانش پژوه را
در برابر معانی مشخص و پذیرفته شده
قرار نمی‌دهد ، در برابر هر مفهوم ، معنای
دقیق را درجمله عبارت تشریح نمی‌کند ،
مخصوصاً به ذکر چند مثال برای روشن

شدن مفهوم در بعضی عبارات نمی‌پردازد .
هدف ویراستار برین است که
دانشمندان را در کنار هم قرار دهد تا
گونگونگی عقایدشان در هر مفهوم بدقت
و با صراحت بیشتر ملاحظه گردد و
مخصوصاً ازین طریق هر چه مخرج خاصی
را که درین دوران از نظر مفاهیم می‌یابیم
با برجستگی بیشتر ، ببینند تا شاید راهی
بر این بحران مفاهیم یافته شود و گفتگوئی
بین صاحبان اندیشه درگیرند تا توافقی
حاصل آید. علاوه برین ، درین گام
نخست چند نکته نیز شایسته تذکرات است:
اول آنکه ، بدقت می‌بینیم ویراستار
نهایت کوشش را برای ارائه‌کاری بدون
غلط به خواننده به عمل آورده است ،
کوششی که در اکثریت قریب به اتفاق
موارد موفقیت آمیز است و بدقت ستایش-
برانگیز ، لیکن ، علیرغم همه این تلاشها
اغلاطی چند بد نظر می‌رسد که بعضی از
آنان چنین‌اند :

واژه درست	واژه چاپ شده	صفحه
Monoandry	Monandry	۱۸۷
Misonéist	Misonist	۱۸۵
Multiple nuclei - Stru - Multiple nuclei structure		۱۹۱
Indifferentism	Indiffrentism	۱۴۵
Academy	Accademy	۱۱
Academic	Accademic	۱۱
Cultural Retrogression	Cultural Petrogression	۶۷
Didactic	Dedactic	۷۲
Attending	Atending	۲۸
Worshipper	Worshiper	۳۲۶
Beginning	Begining	۳۴

از : باقر ساروخانی

علوم انسانی - ۲۵۳۵

نقدی بر کتاب «واژگان فلسفه و علوم
اجتماعی» (انگلیسی. فارسی) ویراستار:
داریوش آشوری ، از انتشارات پژوهشگاه

ازینرو، پیشنهاد مینمائیم، با افزودن غلطنامه‌های در پایان کتاب، به تصحیح اغلاط جزئی آن پرداخته شود. دوم آنکه در مواردی اندک دونوع نگارش بريك واژه پذیرفته شده است که مثال آن چنین است:

در صفحه ۶۲ واژه‌های Createableness, createable همچنانکه ملاحظه می‌شود همراه با e بعد t نوشته شده‌اند، ليك در صفحه ۳۱۰ واژه‌های uncreatableness و uncreatable همانطور که دیده

میشود، بدون e بعد از t بدنگارش درآمده‌اند. جا دارد، نه تنها سوال خواننده در مورد این تنوع پاسخ یابد، بلکه در مواردیکه يك واژه با دونگارش مقبول است (نظیر Potlach در صفحه ۲۳۹ که بصورت Potlatch نیز نوشته میشود) هردو نگارش قید شود.

سوم آنکه، در مواردی چند به نظر می‌رسد، واژه‌هایی در کتاب جای یافته‌اند که بدرستی در فرهنگ فلسفی و علوم اجتماعی جای ندارند، از آنجمله کلماتی است نظیر:

خارجی در کتب مختلف قرار گرفته است نكائی بسیار روشن می‌شود: از جمله آنکه خلاء موجود نشان داده می‌شود، وفاقی نسبی به چشم می‌خورد، ليك در مواردی بسیار نه تنها عدم توافق بنیادی در مورد این مفاهیم نشان داده می‌شود، بلکه به خوبی ملاحظه می‌شود که گاه واژه‌های کاربرده چنان دور از ذهن‌اند که هیچ نوع تطابقی از نظر معنا بین دو واژه وجود ندارد. چند مثال شاهدهی برمدعا خواهد بود:

در برابر مفهوم Mutuality (صفحه ۱۹۹) واژه مشارکت آمده است، در جای دیگر (صفحه ۹۱) کلمه emptiness «خالی» ترجمه شده‌است، در حالیکه در برابر واژه empty نیز طبیعتاً خالی قرار گرفته است. در جای دیگر (صفحه ۱۳۸) واژه identification انطباق ترجمه شده است.

همانطور در برابر واژه‌های Monoandry و Monogamy هردو «يك شوئی» قرار گرفته است، در حالیکه این دو مفهوم نظر به معنای اخص واژه اول از یکدیگر متمایزند و بهتر است به ترتیب، «يك شوئی» و «يك همسری» ترجمه شوند؛ چه، واژه Monogamy، میتواند هم يك شوئی را مشخص سازد و هم يك زنی را.

به همین ترتیب، معادل واژه evolution تکامل آمده‌است که متضمن سوق به سوی کمال و حاوی نوعی قضاوت ارزشی است، در صورتیکه کاربرد، «تطور» در برابر این واژه هیچیک از این مسائل را نخواهد داشت.

در ترجمه واژه patriarchal پدرشاهی و همچنین پدرسالاری آمده

صفحه	واژه	ترجمه
۱۲۱	grilling	کباب کردن
۱۸۲	menu	صورت غذا
۳۲۵	work	کار
۳۲۵	worker	کارگر
۳۴	barrier	مانع
۱۱۹	gift	بخشش
۲۱۲	output	بازده
۲۷۱	smoking	دود دادن
۲۵۸	roasting	تنوری کردن

بالتبع حذف چنین کلماتی که چند مثال از آن داده شد، در چاپیای بعدی کتاب و افزودن واژه‌های تخصصی بیشتری در حوزه وسیع علوم اجتماعی نه تنها به غنای کتاب و سود بیشتر آن برای دانش‌پژوهان منتهی خواهد شد، بلکه دقیقاً واژه‌ها در انطباق با عنوان کتاب خواهد بود.

از این چند نکته که بگذریم با این اقدام و در کنار هم قراردادن مفاهیمی که در زبان فارسی در برابر واژه‌های علمی



پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

است که با توجه به نتایجی که از انجمن لغات علوم اجتماعی به دست آمده است، پدروسی مفهومی مناسبتر برای آن خواهد بود.

بدین ترتیب، ودرین بازار آشفته که داریوش آشوری بدنحوی شایان توجه آنرا می نماید و شاید هر بار نیز در هر کلمه با ارائه مفاهیم گوناگون که بربک واژه نهاده شده، راه چاره می طلبد، می بینیم، واژه ها دور از معنا به کار می روند و بایرگردان های گوناگون حالت ازبرد آن کاسته می شود.

در همین سیاق، می بینیم، در برابر institution که نهاد بهترین معنای آنست، سازمان می آید، در ترجمه واژه attitude نه مفهوم قرار گرفته که با افزودن دیگر مفاهیمی که نویسندگان دیگر برای آن بکار می برند بیش از ۱۲ تعبیر متمایز ازین کلمه داده شده است، آنچنانکه تقریباً هر کس واژه های خاص خود بر آن می گذارد و هر مفهوم یا نام فردی خاص مرتبط می شود.

در برابرگردان Subaltern واژه «متداخل» آمده است، در حالیکه این واژه تا آنجا که فرهنگهای خارجی نشان می دهد، همواره به معنای زیر دست، مادون به کار رفته است، مفهوم مردم شناسی به عنوان معادل در برابر Science of man به کار آمده است و حال آنکه این واژه در برابرگردان Ethnology مناسبتر به نظر می رسد.

در همین جهت، چنانچه واژه ساختمان برای Structure به کار آید، نه تنها از کاربرد مفهوم بهت ساخت اجتناب شده است بلکه متداخل با دیگر کلمات نظیر Construction حاصل می شود. همین

متداخل و کاربرد سلیقه های شخصی در واژه، norm و خانواده آن ملاحظه می شود، می بینیم علاوه بر هنجار، کلماتی نظیر معیار یا اصل نیز برای آن به کار می رود که طبیعتاً با واژه های criteria و criterion و همچنین principle متداخل می شود، گذشته از آن در برابر normal «به هنجار» می آید که با توجه به تلفظ این واژه و یکپارچگی آن نگارش «بهنجار» مطلوبتر می نماید. در برگردان permissive policy «سیاست مجاز» به کار رفته است. مجاز اسم مفعول مصدر اجازه از باب افعال به معنای اجازه یافته است و حال آنکه درین مورد خاص این واژه به معنای فاعلی یعنی اجازه دهنده بازگنارنده به کار آمده است. صفحه ۲۷۹ در برابر اصطلاح Social vicious circle دور اجتماعی به کار رفته است، در حالیکه منظور دور باطل یا بسته و یا معیوب است. در همین جهت، معادل «نرخ جانشینی» برای Reproduction rate و یا فساد در ترجمه error درست به نظر نمی رسد. صفحه ۲۰۷، واژه oligarchy «گروه اندک» ترجمه شده است و حال آنکه حکومت و یا برتری گروه اندک منظور است. در صفحه ۲۶۹ sharp transition جهش تند ترجمه شده است، در حالیکه با توجه به واژه mutation که جهش برگردانده شده است، برای این مفهوم واژه «انتقال» مناسبتر به نظر می رسد.

ازینرو و با توجه به وضعی چنین پریشان و بازاری این چنین آشفته در دنیای اجتماعی، پیشنهاد می کنیم:

اجتماعی از صاحب نظران علوم اجتماعی به منظور بررسی و قبول اصطلاحات این رشته هر چه زودتر تشکیل گردد. تازمانی

که یک واژه فقط توسط یک نفر وضع شده مقبول می افتد، شانس کمتری در پذیرفتن همگان خواهد داشت، در صورتی که پیدایی این جمع و تصویب آن، زمینه های وسیعتر برای پذیرش واژه ها را فراهم خواهد آورد.

این جمع نباید صورتی موقت و یا غیر رسمی یابد، چه، با حرکت دانش دگرگونی واژه ها طبیعی است و بزرگترین خطر آنستکه واژه هایی داده شوند، معنا یا معنایی نادرست پذیرند و سپس در صدد اصلاح برآیم.

اصولی چند درین مجمع قابل پذیرش خواهد بود که بعضی از آنان چنین پیشنهاد می شود:

- در برگردان اصطلاحات علمی نمی توانیم نه به راهی رویم که واژه ای از غرب گرفته شده معادلی در عربستان یابد و سپس فارسی زبانان به کارش گیرند و نه آنکه معادل را ضرورتاً در واژه های ایران کهن و دور از زبان امروزی بجوییم.

ترجمه shadow به «ظل» (صفحه ۲۶۹) و یا کاربرد واژه «معنی» در برگردان Simultaneous (صفحه ۲۷۰) و همچنین برگردان satisfy به «صدق کردن» از دیدگاه اول مشکل فارسی زبانرا دوبرابر می کند، زیرا او هم باید کلمه غیر مانوس عربی را بیاموزد و هم واژه غربی را! همچنین کاربرد

۱ - انجمنی مرکب از استادان علوم اجتماعی که واژه هایی چند را به بحث نهاد و حدود ۱۰۰ مفهوم علوم اجتماعی را مورد تصویب قرار داد که در جزوای به صورت پلی کپی تکثیر گردید.

واژه همیشه‌دار برگردان system که واژه نظام بر آن بیشتر جای افتاده است و یا همنهشت به جای synthesis و یا ساختار برای structure مثالهایی در روشن شدن این اصل از دیدگاه دوم هستند. از این جهت، از صاحب نظران علوم اجتماعی دعوت می‌شود بدون تعصب، در برابر مفاهیم خارجی، از لغات معمول زبان سود گیرند. توجه شود که تمامی گنجینه واژه‌های ما از هر ریشه‌ای باشند، میراث ملی فرهنگ ایرانند و چون در ترکیب فارسی به کار آمدند، رنگ و ماهیت ایرانی یافتند ازین پس به فرهنگ ایران تعلق دارند.

- برگردان اصطلاحات ترکیبی، نباید همواره به صورت تحت‌اللفظی و مقید به ترکیب خارجی کلمه صورت گیرد، از این رو ترجمان frictional unemployment به بی‌کاری برخوردی و یا common sense به حس مشترک درست نیست همانطوریکه وحدت‌گرایی مادی در برابر materialistic monism که در واقع به معنای مادی‌گرایی یک بُعدیست، نمی‌تواند فارسی‌زبانرا مقید افتد، بدینسان هر مفهوم در زبان فارسی بطور مستقل معادل خواهد یافت.

- در تعبیه اصطلاحات و واژه‌ها، باید توجه داشت که هر لغت نمادیت که مخصوصاً بر پایه قرارداد اجتماعی پذیرفته می‌شود. ازین رو هنگامیکه جمعی متشکل از افرادی ذی‌صلاح و صاحب‌نظر تشکیل گردید و بر آن صحه گذاشت، مورد قبول قرار گیرد و به کار آید که این از خرج و مرج و تعدد مفاهیم و احتمالاً کاهش برد واژه خواهد گاست.

- باید توجه داشت که مفاهیم ابزاری چند در خدمت گفتگوی علمی و بالطبع ارتقا، دانش‌اند، آنان به هیچ‌روی هدف علم نباید تلقی شوند و ازین جهت «دکان لغت‌بازان» و آنانکه مظلوف و محتوی را فدای ظرف و قالب می‌کنند و به جای غایت از وسیله سخنهای دراز سازی‌کنند، در بازار دانش‌راکد خواهد بود و چنین جمعی متخصص، کساد این پیشه را تسریع خواهد کرد.

- هدف نهائی، جدائی هر مفهوم از نام یک یا چند نویسنده است. تازمانی که هر کسی به خواست خود و با دانشی گاه بس اندک مفهومی وضع می‌کند، دانش‌پژوهان و مخصوصاً آنانرا که در آغاز راهند در حیرت و سرگردانی فرو می‌برد. لذا وفاق صاحب نظران و آنهم در زمانی هر چه نزدیکتر و با وسایلی که این کتاب از جمله آنانست ضرورت دارد.

ازین رو، کوشش آشوری را ارج می‌نهیم و در انتظار تکمیل این گام نخست با انتشار کار جمعی هستیم که نه تنها به جمع‌آوری نظرات بپردازد، بلکه محتوای هر مفهوم را در جملاتی مشخص کند، معانی گوناگون آنرا تشریح نماید و مثال یا مثالهایی جهت نشان دادن آن در متن عبارات به دست دهد.